

اخلاق اجتماعی امام جواد (ع)

محمد غفوری

چکیده

سیره و سخنان امامان (علیهم السلام)، به عنوان جانشینان معصوم پیامبر (ص)، سرمشق و برنامه عمل پیروانشان است. بنابراین، فهم و شناخت افکار و اندیشه‌های آنان، ما را در پیروی از روش آن بزرگواران یاری می‌کند. امام جواد (ع) اگرچه در سنین نوجوانی به امامت و در اوان جوانی به شهادت رسیدند و فرصت چندانی برای ظهور سیره اخلاقی ایشان حاصل نشد، اما در دوره‌ای حساس، رهبری جامعه شیعه را بر عهده داشتند که از این حیث شناخت اندیشه‌های آن حضرت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این مقاله در جهت دست‌یابی به آرای اخلاق اجتماعی آن حضرت، به مطالعه سخنان و سیره ایشان می‌پردازد و دیدگاه‌های امام جواد (ع) را در قالب نگاه ایشان به مسأله جامعه، اخلاق فردی و اجتماعی و کرامت انسانی نشان می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که جهت‌گیری آن حضرت در همه امور و شئون زندگی، بر محور کتاب خدا و سنت معصومان (علیهم السلام) بوده است.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، اخلاق اجتماعی، رفتار اجتماعی، سیره اجتماعی.

مقدمه

امامان (علیهم السلام)، از دیدگاه شیعه، جانشینان پیامبر (ص)، حجت‌های خدا بر خلق، حافظان دین و شریعت الهی و رهبران سیاسی جامعه به شمار می‌آیند؛

ص: ۳۲۲

اما اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر آنان، فرصت حاکمیت سیاسی را از آنان گرفت. طبیعتاً اعمال دستورهای شرعی نیز برای آنان میسر نشد. چون ابزار لازم که همان حکومت و قوه اجرا باشد، در دست آنان نبود. از سوی دیگر، سیره فردی

و اجتماعی امامان (علیهم السلام) هم تدوین نگردید. به همین سبب آرا و اندیشه‌های اخلاقی و اجتماعی آنان منتشر نشد و در لابه‌لای سخنان و برخی موضع‌گیری‌هایشان پنهان ماند.

هر کسی افکار و اندیشه‌هایی دارد؛ اما اندیشه و درک و فهم معصومان، به حکم منصب الهی که دارند و اسوه و سرمشق به شمار می‌آیند، بسیار مهم است. با توجه به این‌که پیروان آنان می‌کوشند همانند آنان رفتار کنند، باید پیش از هر چیز با دیدگاه‌های آنان در هر زمینه‌ای آشنا باشند تا بتوانند آن نظرها را به عنوان قوانین زندگی فردی و اجتماعی، مبنای عمل خود قرار دهند. ولی با این حال، متأسفانه به اندیشه‌ها و چارچوب فکری معصومان (علیهم السلام)، کم‌تر توجه و در مورد آن‌ها بررسی شده است. حال آن‌که در مقام گفتار، کردار، اعمال احکام دین و اجرای سیاست‌های دینی، به شدت نیاز داریم تا به این‌که با چارچوب‌های دینی و منظومه‌های فکری رهبران دینی آشنا باشیم.

از این رو، مقاله حاضر، کوشیده تا در حد توان، مفاهیم اخلاقی - اجتماعی در اندیشه امام جواد (ع) را از میان رفتار و سخنان استخراج نماید. تنها مشکلی که در این زمینه وجود دارد، دوران دشوار امامت آن حضرت است. ایشان از سویی از جانب حکومت در تنگنا بودند و امکان ارتباط گسترده با پیروانشان فراهم نبود. از سوی دیگر، دوران امامت نسبتاً کوتاهی داشتند. این‌ها باعث شد تا مجال چندانی برای گسترش دانش خود نیابند و ما با کمبود سخنان و سیره عملی حضرت مواجه باشیم. با این حال، مجموعه‌ای از سخنان حضرت در دست است که یا خود فرموده و یا از پدران معصومش نقل کرده‌اند و ما بر اساس برخی از آن‌ها، گزاره‌هایی را استخراج و عرضه می‌کنیم.

ص: ۳۲۳

اندیشه‌های اخلاقی و اخلاق اجتماعی امام جواد (ع)

مسأله اخلاق، در آموزه‌های اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه والایی دارد. موضوعات و مباحث اخلاقی بخش زیادی از آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت (علیهم السلام) را تشکیل داده که در کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف بحث و بررسی شده‌اند و در این جا نیازی به طرح آن‌ها نیست. آنچه در ادامه می‌آید، تنها بخشی از مفاهیم اخلاقی در سخنان امام جواد (ع) است.

۱. آیین برادری

در اسلام، همه مسلمانان برادر قلمداد شده‌اند.^۱ در روایات بسیاری، برای برادری ویژگی‌ها و برای تعامل با برادران دینی و دوستان شرایطی ذکر شده که در این نوشتار، جای طرح آن‌ها نیست؛ اما به تناسب این مقاله نقل یک گزارش سزاوار است. به فرموده امام جواد (ع)، در بصره فردی از امیرمومنان علی (ع) در مورد آیین برادری پرسید. امام فرمودند:

برادران (دوستان) دو دسته‌اند: دوستان امین و مورد اعتماد و دوستان هم‌کار؛ اما دوستان امین به منزله دست و بازو و فامیل و دارایی‌اند. هرگاه با برادران دینی خود در این حد از اعتماد بودی، جان و مالت را نثارش کن و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باش! عیب و رازش را کتمان کن و خوبی‌هایش را آشکار ساز و بدان ای پرسش‌کننده که این برادران دینی، از یاقوت سرخ کمیاب‌ترند. و اما دوستان هم‌کار، همانا تو بهره خود را از آن‌ها می‌بری. قطع رابطه با آنان نکن و جز همین منفعت ظاهر، چیزی از نهان‌خانه آن‌ها نخواه و درست مثل خودشان با آنان گشاده‌رو و شیرین‌زبان باش!^۲

ص: ۳۲۴

امیرمومنان با این توصیه، از یک‌سو راه معاشرت با مردم را نشان می‌دهند که در تعامل با افراد جامعه و هم‌کاران، باید هم خوش‌رفتار بود و هم به میزان نیاز ارتباط برقرار کرد. از سوی دیگر، توجه می‌دهند که از میان افرادی که با انسان رابطه دارند، برخی امین و همانند نزدیک‌ترین کسان فرد هستند. سفارش امام آن است که باید در حفظ چنین دوستان گران‌بها تلاش نمود و از جان و مال برای آنان هزینه کرد و در موفقیت، خوش‌نامی و رفع نیازهایشان کوشید.

۲. لزوم حفظ اسرار

هر فردی در نهان و در مسیر زندگی خود اسراری دارد و غالباً تلاش می‌کند تا پوشیده بماند؛ چون اگر فاش شود، تأثیرات بسیاری بر زندگی فردی و اجتماعی او خواهد گذاشت. دین مبین اسلام نیز از فاش کردن اسرار به شدت نهی کرده است. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

^۱. انما المؤمنون اخوة؛ سوره حجرات، آیه ۱۰. روشن است به کار رفتن مفهوم برادر از باب غلبه است. در واقع این آیه، زنان را هم شامل می‌شود و باید گفت، مؤمنان خواهر و برادر دینی‌اند.

^۲. الاخوان صنفان: اخوان النقه و اخوان المکاشره، فاما اخوان النقه فهم الکف و الجناح و الاهل و المال، فاذا كنت من اخیک علی حد النقه فابذل له مالک و بدنک و صاف من صافه و عاد من عاداه و اکتتم سره و عیبیه و اظهر منه الحسن و اعلم ای‌ها السائل انهم اقل من الکبریت الاحمر؛ و اما اخوان المکاشره فانک تصیب لذتک منهم، فلاتقطعن ذلک منهم و تطلبین ما وراء ذلک من ضمیرهم، وابدل لهم ما بذلوا لک من طلاقه الوجه و حلاوة اللسان؛ (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۴۲ و ۲۴۹).

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».^۳

حفظ اسرار دیگران در اسلام، حق الناس و از واجبات است. چون علاوه بر ضربه‌ای که بر شخصیت افراد وارد می‌شود و زندگی خصوصی آنان را دچار بحران می‌کند، کارکرد اجتماعی دارد. لذا با این کار، اشاعه فحشا صورت می‌گیرد و قبح ارتکاب گناهان از بین می‌رود و در نتیجه گناه و فسق شایع می‌شود. به تبع آن حد و تعزیری هم که برای پیش‌گیری قرار داده شده است، کارکرد خود را از دست خواهد داد؛ زیرا ارتکاب جرم‌ها همگانی خواهد شد. چنین جامعه‌ای مصداق این بیت معروف می‌شود:

گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آن‌چه هست گیرند

ص: ۳۲۵

آیه قرآن نیز به همین نکته اشاره دارد و شیوع دادن زشتی‌ها در جامعه مؤمنان را منع می‌کند. باز با همین نگاه است که ائمه از جمله امام جواد (ع) فرمودند:

اگر اسرار تان برملا می‌شد، هم‌دیگر را دفن نمی‌کردید.^۴

یعنی آشکار شدن بسیاری از اعمال و رفتار انسان‌ها حتی برای نزدیک‌ترین کسان نیز سخت و تنفرآور است، به گونه‌ای که حاضر نیستند جنازه یک‌دیگر را به خاک بسپارند. در واقع فاش شدن اسرار، آثار ویران‌گر زیادی دارد. یکی از آن‌ها افزایش کینه، کدورت و دشمنی بین دوستان، بستگان و کسانی می‌شود که در یک محیط و جامعه زندگی می‌کنند. هم‌چنین انس و الفت، دوستی، برادری و توجه به حال هم‌دیگر که از سفارش‌های اسلام است، از بین می‌رود و تنفر و انزجار جای آن را می‌گیرد. از سوی دیگر، باعث از بین رفتن امنیت و آرامش اجتماعی می‌شود. اگر افراد جامعه، احساس امنیت نداشته باشند و هر کاری که حتی از سر اشتباه انجام گیرد، منتشر گردد و دیگران باخبر شوند، بنیاد جامعه از هم گسیخته می‌شود و دیگر زندگی خصوصی و خانواده معنا نخواهد داشت؛ بنابراین، هم بحران خانواده به

^۳. سوره نور، آیه ۱۹.

^۴. لو تکاشفتم ما تدافتم؛ شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۳۵.

^۵. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ مؤمنان برادر یک‌دیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید؛ (سوره حجرات، آیه ۱۰).

جامعه سرایت می‌کند و هم ناامنی اجتماعی و فاش شدن اسرار، آرامش و کانون خانواده را متلاشی می‌سازد. از این رو، در دین اسلام سفارش شده که اسرار را حتی به دوست صمیمی خود نیز نگویید که اگر روزی دشمن شد، آن را فاش نکند و عرض و آبروی شما را نریزد.

۳. رابطه احسان و خلق حسن

احسان و نیکی کردن به بندگان، امری پسندیده و سفارش شده است. اهمیت آن در اسلام به قدری است که امام جواد (ع) به نقل از امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «بهای هر کس به اندازه نیکی اوست».^۶ احسان و نیکی در

ص: ۳۲۶

امور مختلف انجام‌شدنی است. احسان یا مالی است و یا معنوی. کیفیت آن نیز به موقعیت، وضعیت و تمکن فرد بستگی دارد. مثلاً اگر انفاق مالی است، باید فرد از بهترین چیزهایی که دارد، احسان و انفاق کند، نه آن که اموال غیرقابل استفاده و مندرس را به نیازمندان ببخشد و اصطلاحاً روغن ریخته را نذر امام‌زاده کند. با این‌که در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر انفاق مال بسیار تأکید شده است و البته نباید ترک شود؛ اما احسان مالی بسیار محدود است و تنها به شمار اندکی از افراد جامعه باید کمک کرد. ولی اگر احسان، معنوی و با اخلاق حسنه و رفتار نیکو باشد، دایره احسان گسترده خواهد بود. به همین علت امام جواد (ع) از پدرانش از پیامبر (ص) نقل کرده است که فرمودند: «شما نمی‌توانید با دارایی خود به همه مردم احسان کنید، بنابراین با گشاده‌رویی و برخورد پسندیده آنان را جذب نمایید».^۸

بنابراین هر مسلمانی، علاوه بر این‌که از کمک‌های مادی نباید غافل شود، باید در کنار آن با روی خوش و برخورد مناسب با دیگران معاشرت کند تا دل‌ها را به خود جلب و جذب نماید. سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر همین مبنا استوار بود و گرچه اموال زیادی را آشکار و نهان به نیازمندان می‌بخشیدند، رفتار نیکو و اخلاق خوش آنان افراد را گردشان جمع می‌کرد. اصولاً روش و سیره اهل بیت (علیهم السلام) بر اساس محبت بر بندگان خدا و مدارا با مخالفان و دشمنان بود. مدارا و تحمل دشمنی‌ها و مخالفت‌ها، از اخلاق کریمان است و موجب گرایش دیگران می‌شود. در مقابل

^۶. قِیمَةُ کل امرئ ما یحسَنه؛ (شیخ صدوق، الامالی، ص ۵۳۲).

^۷. لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ (آل عمران، آیه ۹۲).

^۸. قال: قال أمير المؤمنين (ع): إنكم لن تسعوا الناس بأموالكم، فسعواهم بطلاقة الوجه وحسن اللقاء فإنی سمعت رسول الله (ص) يقول: إنكم لن تسعوا الناس بأموالكم، فسعواهم بأخلاقكم؛ (شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۳۵).

مجازات و برخورد تند، افراد را از اطراف انسان پراکند می‌کند، همان‌گونه که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «به برکت رحمت الهی در برابر مردم، نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکند

ص: ۳۲۷

می‌شدند».^۹ از این رو، امام جواد (ع) به یکی از شیعیان دستور دادند تا با پدرش که ناصبی و دشمن اهل بیت (علیهم السلام) بود، مدارا کند و او را از برخورد و نزاع با پدرش منع کردند.^{۱۰}

۴. رابطه احسان با احتیاج

انفاق، کمک به دیگران و یاری ستم‌دیدگان و مستمندان، عملی ارزشمند و از توصیه‌های اسلام به شمار می‌آید؛ اما تلقی عموم مردم از این قبیل کارها، آن است که از نیازمندان جامعه دست‌گیری شود. این برداشت، تصویری کاملاً درست است؛ ولی غالباً از وجه دیگر آن غافلیم و آن، اجر معنوی، ثواب اخروی و خوش‌نامی اجتماعی است که نصیب یاری‌دهنده می‌شود. امام جواد (ع)، این وجه مغفول را برجسته کرده و فرموده‌اند:

نیکوکاران به انجام دادن کار نیک نیازمندترند از کسانی که محتاج کار خیر آن‌هايند؛ زیرا پاداش و افتخار و آوازه کار نیک از آن‌هاست؛ بنابراین هرگاه کسی کار نیکی انجام دهد، بی‌شک به نفع خود و برای خود اقدام کرده است. لذا شایسته نیست سپاس و ستایش آن‌چه را به خود کرده، از دیگری بخواهد.^{۱۱}

دو نکته در این سخن امام وجود دارد: یکی آن که همه ما به سبب منافع خود در دنیا و آخرت محتاج آنیم که به دیگران کمک کنیم. اگر کسی حتی تمکن مالی و رفاه لازم را در زندگی داشته باشد، همه این‌ها برای دنیاست و باز برای آخرت خود محتاج است که اندوخته‌ای ذخیره کند. در واقع هم محتاجیم و هم باید خود را محتاج بدانیم. احتیاج انسان پایانی ندارد و انسان هیچ‌گاه نباید احساس بی‌نیازی کند. حس بی‌نیازی، آدمی را به سرکشی می‌کشاند.^{۱۲} دوم، اگر

ص: ۳۲۸

^۹. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

^{۱۰}. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۹۱.

^{۱۱}. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۴۷.

^{۱۲}. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ؛ (سوره علق، آیه ۶ و ۷).

هر کس در زمان یاری نیازمندان، چنین تصور و برداشتی داشته باشد که برای خود و منفعت خود انجام می‌دهد و پاداش کار هم نصیب خود او خواهد شد، دیگر کمک خود را منتی برای دیگران نخواهد پنداشت.

۵. ادب اجتماعی و آداب بندگی

ادب داشتن در اصطلاح جامعه، یعنی سخنان خوب بر زبان راندن و برخورد شایسته داشتن، و مؤدب، کسی است که زیبا سخن بگوید و رفتاری پسندیده داشته باشد. با همین برداشت، در جامعه، کسانی که برخی از آداب اجتماعی را رعایت و به اصطلاح، متمدنانه رفتار می‌کنند، افرادی با شخصیت شناخته می‌شوند. چنین ویژگی‌هایی در جای خود خوب و پسندیده است؛ ولی امام جواد (ع)، این برداشت از ادب را ترقی داده، به آن جهت و رنگ دینی و الهی می‌بخشد. به تعبیر امام، ادب به معنای واقعی، زیبا و پسندیده سخن گفتن نیست؛ زیرا چنین ویژگی اگر دارنده خود را به خوشنودی خدا نرساند، پیشیزی نمی‌ارزد. ادب عبارت از فهم قرآن و حدیث اهل بیت (علیهم السلام) و انتقال آن به دیگران است همان‌گونه که نازل و گفته شده و نیز خواندن پروردگار در حالی که حریص دعاست. ایشان با این توصیف، فرمودند: «هیچ دو نفری گرد نمی‌آیند مگر آن که برترین آن دو نزد خداوند، مؤدب‌ترینشان است».^{۱۳} باز به همین علت است که وقتی دعبل خزاعی از امام جواد (ع) هدیه گرفت و حمد خدا را گفت، امام فرمود: «ادب آموخته‌ای».^{۱۴}

ارزش‌گذاری امام، بر اساس فهم افراد از قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است. بنابراین هر مسلمانی باید تلاش کند کتاب خدا و روایت معصومان را بیاموزد و با این مفاهیم انس گرفته، آن‌ها را سرمشق زندگی خود (در قول و فعل) قرار دهد. در واقع سخن خوب، سخنی است که دربردارنده مفاهیم قرآنی و روایی باشد و سخنران خوب و مؤدب، کسی است که سخن خدا

ص: ۳۲۹

و اهل بیت (علیهم السلام) را به مردم بازگوید. فلسفه این که حضرت تأکید دارد تا هر سخن و هر رفتاری، منشأ قرآنی و حدیثی داشته باشد، آن است که از منظر امام جواد (ع)، شنیده‌ها و آموخته‌هاست که شخصیت انسان را شکل می‌دهد. اگر وی آن‌چه می‌شنود، سخن الهی باشد، شخصیتش نیز الهی خواهد شد و اگر منشأ دیگری داشته باشد، به همان سو کشیده می‌شود. در طول تاریخ پیروان هر فرد و آیینی، از کسانی بوده‌اند که در معرض سخنان و تبلیغات آن قرار گرفته و یا در آن مکتب شاگردی کرده‌اند. بر همین مبنا امام جواد (ع) می‌فرماید:

^{۱۳}. دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۱۶۰.

^{۱۴}. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۶.

هرکس به گوینده‌ای گوش کند، چنان است که او را بندگی کرده است. پس هرگاه گوینده، پیام خدا را بازگو کند، شنونده، خدای متعال را بندگی نموده و اگر پیام شیطان را القا کند، شنونده شیطان را بندگی کرده است.^{۱۵}

۶. تأثیر متقابل رابطه فرمان‌روا با زیردستان

نوع رفتار با رعایا و زیردستان، یکی از مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی است. اگر از منظر اخلاق دینی به این مسأله بنگریم، بر مبنای آموزه‌های اسلام، نه تنها به مستضعفان، یتیمان و بی‌پناهان نباید ستم شود و به رعیت ظلم نگردد، بلکه باید از آنان حمایت و دست‌گیری شود. امام جواد (ع) در همین باره، نکته‌ای فرموده‌اند که علاوه بر تشویق قدرتمندان به رعایت حال مردم، بیان‌کننده تأثیر متقابل رفتار حاکمان و مدیران با زیردستان است. حضرت می‌فرمایند: «کسی که مراعات زیردستانش را بکند، از مافوق خود در امان خواهد ماند».^{۱۶} این روایت را اگرچه می‌توان هشدار برای مواخذه الهی تفسیر کرد، بیانی عام است و رفتارهای اجتماعی را نیز شامل می‌شود. هر کنشی، واکنشی و هر عملی، عکس‌عملی به دنبال دارد. در واقع اشاره امام به یکی از سنت‌های الهی است که چنین رفتاری علاوه بر آخرت، در دنیا هم پاسخ و جزا داده می‌شود^{۱۷} و همیشه

ص: ۳۳۰

دستی بالاتر وجود دارد جز یدالله که فوق همه دست‌هاست و تصمیم‌گیرنده و جزا دهنده نهایی هم اوست.

بنابراین اگر صاحب‌منصبی، در قلمرو سازمان یا اداره خود، به درستی عمل کرد و از نیروهای زیر فرمانش بیگاری نکشید و بیش از توانشان کار نخواست، بر اساس این سنت، فرمانده‌اش نیز او را مراعات خواهد کرد، ولی اگر بر زیردستان ستم کند، باید منتظر همین برخورد از بالادست خود باشد.^{۱۸} اگر جامعه به این باور برسد که هر عمل و

^{۱۵}. پیشین، ج ۶، ص ۴۳۴.

^{۱۶}. من رضى بالعافية ممن دونه، رزق السلامة ممن فوقه: (شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۳۵).

^{۱۷}. این مفهوم در روایات اهل‌بیت فراوان آمده است که: کما تدینُ تدان، من وطئ فراش امرئ مسلم وطئ فراشه کما تدین تدان؛ (برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۷۰۱؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۵۵؛ من زنی زنی به؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۲؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۹۴۴).

^{۱۸}. این باور در ادبیات فارسی نیز انعکاس یافته و عطار نیشابوری می‌گوید:

عمرت به هدر رفته اگر دست‌گیری

صد سال ره مسجد و میخانه‌گیری

هر دست که دادی به همان دست‌گیری

بشنو از پیر خرابات تو این‌پند

رفتار، عین خود را در شکل تضاد و تأثیر متقابل در پی خواهد داشت، می‌تواند نقش بازدارنده و کنترلی داشته باشد و تا حد زیادی، مانع فسادهای موجود اداری، اقتصادی و غیره شود. اما چون این مبانی، ترویج و به فرهنگ تبدیل نشده و به این باور نرسیده‌ایم که رفتارهای ما بازتولید خواهد شد، از عقوبت آن نیز هراسی نداریم و از ارتکاب خطاهای این‌چنینی پرهیز نمی‌کنیم.

۷. توجه به حال پیروان و ملاطفت با آنان

یکی از توصیه‌های مؤکد دین اسلام، توجه به رعیت و زیردستان و البته از امور مهم فرمان‌روایی است؛ یعنی توجه به امور مردم و رسیدگی به مشکلات آنان، در درجه اول، مسأله‌ای اخلاقی و توصیه دینی است و در درجه بعدی، از مهارت‌های زمام‌داری و مدیریتی به شمار می‌آید. با نگاهی به سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) موارد متعددی از این دست را می‌توان دید که دلسوزانه و متواضعانه با مردم رفتار کرده و جویای مشکلاتشان بوده‌اند و در رفع گرفتاری‌ها و برآمدن

ص: ۳۳۱

حاجاتشان کوشیده‌اند. ۱۹ حتی در بسیاری از موارد، بدون درخواست و اعلام نیاز، مساعدت و دل‌جویی می‌کردند. این امر، علاوه بر آن که باعث تألیف قلوب مردم و حفظ رابطه امام با یارانش می‌شود، موجب دل‌گرمی پیروان خواهد بود. امام جواد (ع) نیز مانند دیگر ائمه (علیهم السلام)، با شیعیان در غم و عزا هم‌دردی می‌کردند، گرچه به علت دوری مسافت یا موقعیت خاصی که داشتند، گاهی با نوشتن نامه دل‌جویی می‌فرمودند. ۲۰ مثلاً به فردی که پسرش مرده بود، نامه نوشتند و مرگ فرزندش را تسلیت گفتند و آرزو کردند خداوند فرزند دیگری به او بدهد. ۲۱ یا وقتی برادر حمدان بن احمد حاضینی درگذشته بود، او را از شیعیان خاص خود شمردند و او را تمجید کردند و مرگش را به حمدان تسلیت گفتند. ۲۲ از سوی دیگر، برخی شیعیان از روی اظهار ارادت و محبت به امامان، اهل بیت (علیهم السلام) را مدح و ثنا

۱۹. کافی، ج ۵، ص ۱۱۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۳۳؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۹۳۸، ۸۴۸ و ۸۶۹؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۴۴، ۴۹ و ۵۲.

۲۰. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۹۷.

۲۱. کافی، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۳۸.

می گفتند یا اذن می گرفتند که چنین کنند. امام جواد (ع) ضمن پذیرش درخواست‌ها، از دوست‌دارانی که در این زمینه می‌کوشیدند، تقدیر می‌کردند.^{۲۳}

۸. تضاد امانت‌داری با سفاهت

بر اساس آیات و روایات متعدد، عقل یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به شمار می‌آید که به انسان عطا شده است. از این رو، انسان همواره به تدبیر و تعقل توصیه و از سفاهت و بی‌خردی منع شده است. هنگامی که از امام جواد (ع) درباره آیه پنجم سوره نساء «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» مال و دارایی‌های خود را در اختیار سفیهان قرار ندهید؛ سؤال شد، فرمودند: «هر کس مست‌کننده‌ای را بنوشد، البته سفیه است». ^{۲۴} امام با تعیین مصداق عینی و مبتلا به جامعه، تلاش می‌کنند

ص: ۳۳۲

یکی از منکرات رایج و مرتکبان آن را نکوهش نمایند و فرد شراب‌خوار را بی‌خرد معرفی فرمایند که لایق امانت‌داری نیست. این نوع تفسیر و سرزنش شراب‌خوار را در تعابیر امام حسین (ع) نیز مشاهده می‌کنیم که می‌فرماید:

انسان فاسق و فاجر، شایسته رهبری و امارت نیست، مثلاً کسی که شراب‌خوار باشد، شریر و فاسق است و هیچ امانتی حتی یک درهم را نمی‌شود به فاسق سپرد. پس چگونه چنین کسی شایسته است که امین امت باشد؟^{۲۵}

۹. خیر و سعادت بشر در گرو تفاوت‌های اجتماعی

خیر و سعادت انسان‌ها و بقا و دوام حیات بشری، همواره از دغدغه‌های فرستادگان الهی و جانشینانشان بوده است؛ اما این‌که ابزار و شرط رسیدن به این هدف چیست و چگونه باید باشد نیز اهمیت دارد. از نکات جالب در سخنان ائمه (علیهم السلام) توجه به جامعه انسانی و دوام زندگی است. امام جواد (ع) به نقل از امیرمومنان علی (ع) روایتی نقل می‌کند که نشان‌دهنده نگاه تمدنی ایشان به جامعه بشری است و همین نکته، سلسله مسائلی را به دنبال دارد. حضرت می‌فرماید: «مردم تا زمانی که با هم متفاوتند، در خیر خواهند بود و هر گاه یکسان و همسان شوند، نابود می‌شوند». ^{۲۶}

^{۲۳}. همان، ص ۸۳۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸.

^{۲۴}. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، ج ۱، ص ۲۲۰.

^{۲۵}. مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۳۳.

^{۲۶}. لا یرزال الناس بخیر ما تفاوتوا فاذا استووا هلكوا؛ (شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۳۵؛ همو، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۸۵).

این تفاوت در همه شئون زندگی ساری و جاری است؛ یعنی بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات، مردم هم در شکل و قیافه باید متفاوت باشند تا شناخته و از هم تفکیک شوند، هم در مذکر و مؤنث بودن تنوع باشد؛ یعنی گروهی مرد و دسته‌ای زن باشند تا نسل تولید شود و هم در کارها و تخصص‌ها تفاوت باشد. با استفاده از فرمایش امام می‌توان نتیجه گرفت که نمی‌شود تمام افراد جامعه یک تخصص و یا یک شغل داشته باشند، همه یک کار انجام دهند؛ همیشه یک نوع غذا بخورند؛ در گرما و سرما یا در

ص: ۳۳۳

مناطق گرمسیر و سردسیر یک نوع لباس بپوشند و مواردی از این دست، مثل استعدادها، سطح زندگی‌ها، ذوق و سلیقه‌ها، مکان و جغرافیای زندگی، طول عمرها، تعدد خانواده‌ها و قبیله‌ها. شرط بقای جامعه و امکان ادامه حیات بشری در گرو همین تفاوت‌ها و تنوع‌هاست و اگر همه شبیه هم و به یک کار مشغول باشند، یا همه خواهر و برادر باشند، نیازهای افراد جامعه تأمین نمی‌گردد و موجب نابودی نسل و جامعه انسانی خواهد شد. بنابراین، خیر دنیای انسان، وابسته به تفاوت‌ها و خیر آخرت هم متوقف بر خیر دنیاست. اگر زندگی دنیوی نباشد، آخرتی هم نخواهد بود. اگر در دنیا تفاوت نباشد، شاید مسأله آزمون و امتحان الهی هم تحقق نیابد و ابزار امتحان فراهم نشود. از این رو، امام خیر و سعادت را به تفاوت‌ها گره زده‌اند.

شاید بتوان حوزه تفاوت‌ها را از این هم بیش‌تر گسترش داد و به اختلاف گرایش‌ها، نظرها و تفکرات هم کشاند، البته نه در حوزه اصل دین و مذهب که آیات و روایات بسیاری در تقض آن وجود دارد.

نتیجه

اگرچه زندگی فردی و اجتماعی امام جواد (ع) چندان روشن نیست و در شناخت عمیق‌تر تفکرات آن حضرت، با کمبود منابع و داده‌ها مواجهیم؛ با همین اندک اطلاعات می‌توانیم بسیاری از آموزه‌های دینی، اخلاقی و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) را استخراج کنیم و چراغ راه زندگی قرار دهیم. اکنون تا حدودی می‌دانیم که امام نهم (ع) در حوزه اخلاقی اجتماعی بر کدام ارزش‌ها تأکید داشتند و چه راه‌کارهایی را سفارش کرده‌اند؛ مواجهه امام با دوستان و مخالفان چگونه بوده و برای عبور از چالش‌های اجتماعی چه تدابیری به کار می‌گرفتند.

ص: ۳۳۴

منابع

قرآن کریم.

اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (م ۶۹۳ ق)، کشف الغمه فی معرفۃ الائمه، تبریز، انتشارات بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۸۰ ق)، المحاسن، تصحیح جلال الدین ارموی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰ ش.

حر عاملی، محمد بن حسن (م ۱۱۰۴ ق)، وسائل الشیعہ، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.

دیلمی، ابومحمد حسن بن محمد (ق ۸)، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (م ۳۸۱ ق)، الامالی، قم، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

-----، عیون اخبار الرضا (ع)، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ ق.

-----، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (م ۴۶۹ ق)، اختیار معرفۃ الرجال، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ ق.

-----، تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.

شیخ مفید، (م ۴۱۳ ق)، الامالی، تحقیق حسن استادولی و علی اکبر غفاری، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی (م ۳۲۰ ق)، التفسیر، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۰ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۱ ق)، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

مغربی، نعمان بن محمد (م ۳۶۳ ق)، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق. ۲۷

ص: ۳۳۵

^{۲۷} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳ جلد، مرکز مدیریت حوزه های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه. ش.

